

Comparison of Internal Working Models between Low Conflict and High Conflict Couples Relationships in Tehran

Samira Hashemi  *

PhD Student in Counseling, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

Kiumars Farahbakhsh 

Associate Professor of Counseling Department, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

Abolfazl Karami 

Retired faculty member of Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

Accepted: 11/11/2021

Abstract

Internal working model is the most essential concept in attachment theory that explain adult romantic behavior in marital relationships. This study aimed to compare internal working models between low conflict and high conflict persons in marital relationships in Tehran. The samples include 100 low conflict persons and 100 high conflict persons in marital relationships that were randomly selected. The research's tools were Internal Working Model Questionary (IMWQ) that was made by researcher, and Marital Conflicts Questionary (MCQ). Multivariate analysis of variance (MANOVA), LSD incidental test, and discriminant analysis were used for analysis of the research's data. The results showed that there is significant difference ($p < 0/01$) between the profiles of internal working models' components of low conflict and high conflict persons. Also the results indicated that each component of internal working model between low conflict and high conflict persons was significantly different ($p < 0/01$). The discriminant analysis showed that it's possible to predicate group membership of persons in successful and unsuccessful groups, with 99/5% probability. Then according to findings low conflict couples have secure memories, attitudes, needs, and strategies while high conflicts couples have unsecure memories, attitudes, needs, and strategies.

Received: 16/02/2022

ISSN: 2345-6051

Keywords: Internal Working Models, Low Conflict Couples, High Conflict Couples.


eISSN: 2476-6178

* Corresponding Author: samira.hashemi.m@gmail.com


How to Cite: Hashemi, S., Farahbakhsh, K., Karami, A. (2023). Comparison of Internal Working Models between Low Conflict and High Conflict Couples Relationships in Tehran, *Journal of Culture of Counseling and Psychotherapy*, 14(53), 215-236.

مقایسه الگوهای فعال درونی (IWM) بین زوجین کم تعارض و پر تعارض شهر تهران


دانشجوی دکتری مشاوره، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

سمیرا هاشمی * 

دانشیار گروه مشاوره، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

کیومرث فرحبخش 

عضو هیئت علمی بازنشسته دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

ابوالفضل کرمی 

چکیده

الگوهای فعال درونی یکی از کلیدی‌ترین مفاهیم نظریه دلبستگی است که چگونگی رفتار افراد را در روابط عاشقانه بزرگ‌سالی و ازدواج تبیین می‌کند. هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی و مقایسه الگوهای فعال درونی بین افراد کم تعارض و پر تعارض شهر تهران می‌باشد. در این پژوهش از دو گروه زنان و مردان پر تعارض در روابط زناشویی و زنان و مردان کم تعارض در روابط زناشویی، ۲۰۰ نفر نمونه‌گیری شد (از هر گروه ۱۰۰ نفر). ابزار استفاده‌شده در این پژوهش، پرسشنامه تعارضات زناشویی (MCQ) و پرسشنامه محقق ساخته الگوهای فعال درونی (IWMQ) می‌باشد. برای تحلیل داده‌ها از تحلیل واریانس چند متغیره (MANOVA) و آزمون تعقیبی LSD استفاده شد. نتایج حاکی از آن است که بین نمرخ مؤلفه‌های الگوهای فعال درونی افراد پر تعارض و کم تعارض در روابط زناشویی، تفاوت معنادار ($p < 0.01$) وجود دارد. همچنین بین یازده خرده آزمون پرسشنامه الگوهای فعال درونی، تفاوت معناداری ($p < 0.01$) بین دو گروه پر تعارض و کم تعارض مشاهده شد. تحلیل تمایز نیز نشان داد که می‌توان بر اساس نمرات الگوهای فعال درونی افراد، با احتمال ۹۹٫۵٪، عضویت گروهی آن‌ها را در گروه‌های کم تعارض و پر تعارض پیش‌بینی کرد. به این ترتیب یافته‌ها نشان می‌دهد که زوجین کم تعارض، دارای خاطرات، اعتقادات، نیازها و راهبردهای ایمن در روابط اند در حالی که زوجین پر تعارض دارای خاطرات، اعتقادات، نیازها و راهبردهای ناایمن اند.

کلیدواژه‌ها: الگوهای فعال درونی، زوجین کم تعارض، زوجین پر تعارض.

* نویسنده مسئول: samira.hashemi.m@gmail.com

مقدمه

خانواده از مهم‌ترین نهادهای یک جامعه است و جامعه‌ای سالم است که خانواده‌های آن کارکردهای سالمی داشته باشند. زیربنای یک خانواده سالم نیز، روابط سالم و صمیمی زوجین در خانواده تشکیل می‌دهد. اینکه چه عواملی باعث می‌شود یک ازدواج موفق و کم تعارض باشد و ازدواجی دیگر پرتعارض، همواره مورد توجه روان شناسان، محققان و پژوهشگران خانواده بوده است. از نظر لغوی تعارض به معنی اختلاف داشتن و مزاحم یکدیگر بودن است (فرهنگ عمید، ۱۳۷۴). به طور کلی زوجین در طول زندگی زناشویی به دلیل اینکه نمی‌توانند نیازهای خود را مرتفع نمایند، با چالش‌ها و تعارضات مشخصی روبرو خواهند شد. تعارضات زوجین با مسائلی مثل جروبحث کردن، درگیری، اختلاف نظر داشتن، مشخص می‌شود که اغلب به خاطر تفاوت در نیازها، عقاید، ارزش‌ها و اهداف به وجود می‌آید (اولوگنگا^۱، ۲۰۱۸). پژوهش‌های مثل آیان^۲ (۲۰۲۱)، ابوالقاسمی و همکاران (۱۳۹۹)، فارسانی و مهدیه (۱۳۹۹)، خدادادی (۱۴۰۰) نشان داده‌اند که اغلب تعارضات زناشویی به این دلیل اتفاق می‌افتد که آنان در نحوه برقراری ارتباط با یکدیگر دچار مشکل می‌شوند و در ابراز هیجانات خود ناتوانند.

تابه حال نظریات گوناگونی به تحلیل و تبیین روابط صمیمانه زوجین و تعارضات آنان پرداخته‌اند که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به نظریه دلبستگی بالبی، اشاره نمود. رابطه نوزاد-والد نمونه‌ای نخستین، برای روابط عاشقانه بعدی در بزرگسالی است. دلبستگی در رابطه والد و کودک، به رابطه عاشقانه بزرگسالی فرد انتقال می‌یابد و می‌تواند بر رفتار، شناخت و هیجانات، در هر دوره‌ای از زندگی، از نوزادی تا بزرگسالی، تأثیر بگذارد (نیکولز^۳، ۱۹۸۷؛ دیکس^۴، ۱۹۶۷). دلبستگی در روابط، به طور ارادی و داوطلبانه و یا ناخواسته، به طور کامل قطع نمی‌شود و هرگونه خللی در یک رابطه دلبستگی، دردناک است و

1. Olugbenga
2. A'yun, Q.
3. Nichols, M. P.
4. Dicks, H. V.

موجب سوگواری در فرد می‌شود. کیفیت و الگوی دلبستگی در روابط عاشقانه بزرگ‌سالی ممکن است شبیه الگوی دلبستگی فرد در رابطه با والدش باشد (بالبی^۱، ۱۹۶۹). پژوهش‌های زیادی مانند میکالینسر و شیور^۲ (۲۰۱۱) و کسیدی و شیور^۳ (۲۰۱۶) در ارزیابی‌ها و نتایج خود دریافته‌اند که هنگام رویارویی با مشکلات و مسائل، افراد دارای سبک دلبستگی ایمن، بیشتر روی صمیمیت و نزدیکی تمرکز می‌کنند و توجه کمتری به مسائل درون فردی و خود-محورانه دارند در صورتیکه افراد با دلبستگی ناایمن، الگوی متفاوتی در روابط ارائه می‌دهند که باعث ایجاد مشکل و تعارض می‌شود.

دلبستگی منجر به ساخت یک چارچوب و سازمان می‌شود که همه اطلاعات مربوط به دلبستگی در این چارچوب قرار می‌گیرند و از صافی عبور می‌کنند. این چارچوب و بازنمودهای ذهنی "الگوهای فعال درونی"^۴ نام دارند. این الگوها به‌مثابه قوانینی ذهنی و متشکل از تجربیاتی است که چارچوب تعامل با دیگران و همچنین درک از "خود" را فراهم می‌سازند. این الگوها می‌توانند رفتار یک زوج را تعبیر و تفسیر و پیش‌بینی کنند و به همان اندازه، طرحی برای راهنمایی شخص و هدایت رفتارش در روابط بدهند. الگوهای فعال درونی شامل دو بخش است، بخش اول شامل افکار مربوط به «خود» و بخش دوم مربوط به «دیگران» می‌باشد (رلز و سیمپسون^۵، ۲۰۰۴، دی کاس و کسیدی^۶، ۲۰۱۱). هر موقعیتی که ما در زندگی با آن مواجه می‌شویم، بصورت الگوهای بازنمودی، راجع به جهان و خودمان، ساخته می‌شود. اطلاعاتی که به اندام حسی ما می‌رسند، بر مبنای این الگوها، مورد گزینش و تفسیر قرار می‌گیرند. اهمیت گذاری اطلاعات و ارزیابی آنها و بدنبال آن طرح ریزی نقشه‌های عملی، توسط این الگوها انجام می‌شود (بالبی، ۱۹۸۰؛ کوهن و کاتز^۷، ۲۰۱۵).

-
1. Bolby, J.
 2. Mikulincer, M., & Shaver, P. R.
 3. Cassidy, J. and Shaver, P. R.
 - 1- internal working models
 5. Rholes, W. S, and Simpson, J. A.
 6. Dykas, M. J., & Cassidy, J.
 7. Cohen, O., & Katz, M.

این الگوها و بازآمدها در بستر تجربه‌های شخص با افراد مورد دل‌بستگی، حول محور ساماندهی و ارضای نیازهای دل‌بستگی شکل می‌گیرند. هنگامی که والدین تعاملشان با فرزندان حمایت‌کننده و همیار باشد، کودکان احتمالاً الگوهای فعال درونی را این‌گونه توسعه می‌دهند که برای داشتن روابط مثبت با دیگران توانمند هستند و در ضمن در می‌یابند گویا توانایی کشف محیط با حس اطمینان و تسلط را هم دارند. الگوهای فعال شامل دو مؤلفه مکمل هم می‌باشد. یکی از این مؤلفه‌ها مربوط به افراد مورد دل‌بستگی است و دیگری مربوط به «خود» شخص (برثرتون^۱، ۱۹۸۵؛ کسیدی و شیور^۲، ۲۰۱۶).

کلینز و رید (۱۹۹۴) پیشنهاد کرده‌اند که الگوهای فعال درونی می‌بایست شامل چهار مؤلفه مربوط به هم باشد:

۱. حافظه (خاطرات) مربوط به تجربیات دل‌بستگی

۲. اعتقادات، نگرش‌ها و انتظارات درباره خود و دیگران در ارتباط با فرایند

دل‌بستگی

۳. اهداف و نیازهای مربوط به دل‌بستگی

۴. راهبردها و نقشه‌ها در راستای به انجام رساندن اهداف دل‌بستگی

خاطرات مربوط به تجربیات دل‌بستگی از مؤلفه‌های مهم الگوهای فعال محسوب می‌شوند. این خاطرات تنها شامل تعاملات خاص یا وقایع عینی نمی‌شود بلکه شامل زمینه و بافتی که واقعه در آن رخ می‌دهد، نظیر ارزیابی تجربه و توضیحات و معانی‌ای که فرد از این واقعه و از دیگران درک می‌کند، نیز می‌باشد. چون فرض بر این است که این خاطرات بر اساس تجربیات واقعی شکل گرفته است، در نتیجه انتظار می‌رود که افراد با دل‌بستگی ایمن، خاطرات مثبت بیشتری راجع به ارتباط با افراد مورد دل‌بستگی شان گزارش کنند (روثبارد و شیور^۳، ۱۹۹۴). در این حوزه تحقیقات کمی صورت گرفته و شواهد به‌دست آمده از چندین تحقیق که شامل مطالعه گذشته نگر روابط افراد با والدینشان بوده

1. Brelherton, I.

2. Cassidy, J. and Shaver, P. R.

3. Rothbard, J. C., & Shaver, P. R.

است، این فرضیه را تأیید می‌کند (هازان و شیور^۱، ۱۹۸۷؛ کلینز و رید، ۱۹۹۰؛ فینی و نولر^۲، ۱۹۹۰).

در رابطه با مؤلفه اعتقادات باید گفت تجربیات زندگی پایه و اساسی برای ساخت الگوهای فعال می‌باشند. این تجارب، فرد را به این نتیجه می‌رساند که آیا توانا و دوست داشتنی هست یا نه؛ و آیا مردم قابل اعتماد، قابل پیش‌بینی و قابل کنترل می‌باشند یا خیر. این اعتقادات هسته‌ای و اصلی بصورت قوانینی کلی ذخیره می‌شوند اعتقادات هسته‌ای راجع به "خود" شامل این ارزیابی است که آیا من شایسته و دوست داشتنی هستم یا خیر. اعتقادات شایستگی، به فرد حس اطمینان راجع به توانایی‌هایش در دست‌یابی به اهداف خود خواهد داد. این اعتقادات با تجربیات قبلی فرد در زمینه اکتشاف و تسلط طلبی ارتباط دارد. اعتقادات راجع به دوست داشتنی بودن به این بر می‌گردد که فرد به چه میزان خود را مستحق و لایق دوست داشتن می‌داند. این اعتقادات در خلال تجربیات دلبستگی شکل می‌گیرند. در تحقیقات انجام شده، رابطه مهمی بین سبک‌های دلبستگی خود-گزارشی با باورهای کلی راجع به خود و زندگی اجتماعی، به‌دست آمده است. به‌طور کلی افراد ایمن در مقایسه با افراد اجتنابی و اضطرابی، باورهای مثبت بیشتری نسبت به خود، در روابط با دیگران دارند (چن^۳، ۲۰۱۷؛ کامرون و گرانگر^۴، ۲۰۱۹؛ کاسترو و پیرا^۵، ۲۰۱۹).

در رابطه با مؤلفه اهداف و نیازها نیز باید بیان داشت، طبق تحقیقات بارتولومو و هورویترز^۶ (۱۹۹۱)، رلز و سیمپسون (۲۰۰۴)، بکی^۷ (۲۰۲۱) افراد میزان انگیزش متفاوتی برای ایجاد یک رابطه صمیمی، اجتناب از طرد شدن، حفظ قلمرو شخصی و خصوصی، جلب تأیید دیگران و غیره دارند. در واقع افراد، در میزان نیازشان به صمیمیت و نزدیکی و یا میزان نیازشان به تنهایی و استقلال، با هم متفاوت‌اند و این امر می‌تواند نتیجه تجربیات

-
1. Hazan, C., & Shaver, P.
 2. Feeney, J. A., & Noller, P.
 3. Chen, B. B.
 4. Cameron, J. J., & Granger, S.
 5. Castro, R. M., Pereira, D. I. F.
 6. Bartholomew, K., & Horowitz, L. M.
 7. Becky, B.

دل بستگی در زمان کودکی شان باشد.

تحقیقات همچنین نشان داده افراد با سبک‌های مختلف دل بستگی، راهبردهای متفاوتی برای نیازها و اهداف اجتماعی-هیجانی خود که شامل مهار هیجانات دردآور است، بکار می‌گیرند. افراد بزرگسال به این گرایش دارند که در شرایط استرس زا از راهبردهایی استفاده کنند که در مراحل اولیه رشد آموخته‌اند. آن‌ها تعدادی از مکانیزم‌های کنار آمدن را برای مدیریت و تعدیل هیجانات منفی با خود دارند. مسلماً بعضی از این راهبردها مؤثرتر و کارآتر از بقیه‌اند اما بکارگیری راهبردهایی که باعث سرکوب یا تشدید عواطف می‌شوند، می‌توانند به آسیب‌های روانی منجر شوند. راهبردها منجر به عمل‌ها و عکس العمل‌هایی می‌شود و این تجارب در الگوهای فعال درونی ذخیره می‌گردند (بردلی^۱، ۲۰۰۰؛ گریفیث^۲، ۲۰۰۴؛ ونگ و همکاران^۳، ۲۰۲۰).

تحقیقات زیادی (روزالینا و همکاران^۴، ۲۰۱۹؛ سابلینیکووا و همکاران^۵، ۲۰۲۰؛ شیخ و همکاران، ۱۳۹۱؛ رجبی و همکاران، ۱۳۹۳؛ محمدشارونی و همکاران، ۱۳۹۹) نشان داده‌اند تعارضات زوجین نیز تحت تأثیر سبک‌های دل بستگی قرار می‌گیرد و سطح اضطراب هر دو زوج در تشریح رفتار تعارضی در بین افرادی که نامزد هستند یا ازدواج کرده‌اند از اهمیت خاصی برخوردار است. زوجینی که هر دو مضطربند، عملکرد بسیار ضعیف و پایینی داشته و درگیر میزان بالایی از جنگ قدرت و آشفتگی‌های هیجانی و عاطفی هستند. افراد مضطرب بیشتر احساس سوء تفاهم و مورد تقدیر و قدر دانی قرار نگرفتن می‌کنند، مطالبه‌کننده و تهدید کننده می‌شوند و در گستره نیازهای همسرشان، بیشتر بر علایق و نیازهای خودشان تأکید و توجه دارند. افرادی که دل بسته‌ایمن هستند، سطوح بالایی از رضایت در روابط را نشان می‌دهند، همچنین نسبت به دل بسته‌های اضطرابی و دوسوگرا، راهبردهای

-
1. Bradley, S. J.
 2. Griffith, B. A.
 3. Wang, C. D. et al.
 4. Rosalina, G. et al.
 5. Sabelnikova, N. et al.

یکپارچه‌تر و مصالحه‌آمیزتری در حل تعارضات اتخاذ می‌کنند (سسمن و همکاران^۱، ۲۰۱۷؛ کانسیل و همکاران^۲، ۲۰۱۸).

با اینکه در حوزه ارتباط بین سبک‌های دلبستگی و روابط زوجین تحقیقات زیادی انجام شده است اما پژوهشی که نشان دهد آیا بین مؤلفه‌های الگوهای فعال درونی بین زوجین پرتعارض و کم‌تعارض تفاوتی وجود دارد یا خیر انجام نگرفته است. از آنجا که به نظر می‌رسد چهار مؤلفه الگوهای فعال درونی (یعنی خاطرات، نگرش‌ها، نیازها و راهبردها) در روابط زناشویی بسیار تأثیرگذار در نتیجه این پژوهش در نظر دارد به این سؤال پاسخ دهد که آیا الگوهای فعال درونی در زوجین کم‌تعارض و پرتعارض متفاوت است؟

روش پژوهش

در این پژوهش جامعه آماری شامل دو گروه زنان و مردان پرتعارض در روابط زناشویی و زنان و مردان کم‌تعارض در روابط زناشویی شهر تهران می‌باشد. نمونه گروه اول شامل زنان و مردان ساکن شهر تهران است که حداقل یک سال از ازدواج آن‌ها گذشته و در زندگی زناشویی خود دارای تعارضات زیادی می‌باشند و نمره خام آن‌ها در پرسشنامه تعارضات زناشویی بیشتر از ۱۳۵ است. نمونه گروه دوم نیز شامل زنان و مردان ساکن شهر تهران است که حداقل یک سال از ازدواج آن‌ها گذشته و از زندگی زناشویی خود اظهار رضایت می‌کنند و از تعارضات کمی برخوردارند و نمره خام آن‌ها در پرسشنامه تعارضات زناشویی کمتر از ۱۱۴ می‌باشد. برای نمونه‌گیری از جامعه اول یعنی زنان و مردان پرتعارض در روابط زناشویی، از افرادی که برای حل مشکلات زناشویی‌شان به مراکز مشاوره و خانه‌های سلامت شهرداری مراجعه کرده بودند استفاده شد. این نمونه همچنین شامل برخی والدینی که مشاوران مدرسه، در جریان اختلافات و مشکلات زناشویی‌شان بودند و نیز تمایل به همکاری داشتند، بوده است. برای اطمینان بیشتر از وجود تعارض در زندگی

1. Sesemann et al.
2. consil et al.

زناشویی این افراد، پرسشنامه تعارضات زناشویی نیز روی آن‌ها اجرا شد و کسانی که نمره خام آن‌ها در این پرسشنامه، بیشتر از ۱۳۵ بود، برای نمونه انتخاب شدند حجم این نمونه شامل ۱۰۰ نفر بود (۵۶ نفر زن و ۴۴ نفر مرد). برای نمونه‌گیری از جامعه دوم، از روش شبکه‌ای استفاده شد؛ یعنی افرادی از دوستان، آشنایان و آشنایان آشنایان که از زندگی زناشویی خود اظهار رضایت می‌کردند و نمره خام آن‌ها در پرسشنامه تعارضات زناشویی کمتر از ۱۱۴ بوده است، انتخاب و نمونه‌گیری شدند. البته توجه شده است که این نمونه، قشری خاص از نظر تحصیلی، اجتماعی، اقتصادی، یا سنی را شامل نشود و بتواند به جامعه مورد نظر، قابل تعمیم باشد. حجم این نمونه نیز شامل ۱۰۰ نفر بود (۵۵ نفر زن و ۴۵ نفر مرد). میانگین سن آزمودنی‌هایی که در پژوهش شرکت کرده‌اند برابر با مقدار ۴۰٫۳۷ سال می‌باشد که این مقدار به تفکیک جنسیت متفاوت ولی بسیار نزدیک به هم است. مردان دارای میانگین ۴۰٫۱۷ و زنان دارای میانگین ۴۰٫۵۷ می‌باشند. انحراف معیار کل این توزیع ۸٫۱۷ می‌باشد. دامنه تغییرات سن گروه نمونه برابر ۴۱ سال است که جوان‌ترین آن‌ها ۲۳ سال و مسن‌ترین آن‌ها ۶۴ ساله می‌باشد. در کل ۸۷ نفر از آزمودنی‌ها دارای مقطع کارشناسی، ۷۹ نفر دیپلم و ۳۳ نفر فوق دیپلم و ۱ نفر کارشناسی ارشد هستند که به ترتیب ۴۳٫۵٪، ۳۹٫۵٪، ۱۶٫۵٪ و ۰٫۵٪ آزمودنی‌ها را شامل می‌شوند.

ابزار پژوهش

در این پژوهش برای سنجش افراد کم تعارض و پرتعارض در روابط زناشویی از پرسشنامه تعارضات زناشویی^۱ (MCQ) استفاده شد. این پرسشنامه توسط طاهره براتی (و باقر ثنایی) در ایران ساخته شده است. این ابزار ۴۲ سؤالی هفت بعد از تعارضات زناشویی را می‌سنجد. این هفت بعد عبارتند از: کاهش همکاری، کاهش رابطه جنسی، افزایش واکنش‌های هیجانی، افزایش جلب حمایت فرزندان، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان و جدا کردن امور مالی از یکدیگر. آلفای

کرونباخ برای کل پرسشنامه روی یک گروه ۳۲ نفری برابر با ۵۳/ می‌باشد. برای هر سؤال پنج گزینه در نظر گرفته شده است:

هرگز=۱؛ بندرت=۲؛ گاهی=۳؛ اکثراً=۴؛ همیشه=۵ در این ابزار نمره بیشتر به معنای تعارض بیشتر و نمره کمتر به معنی تعارض کمتر است. حداکثر نمره کل پرسشنامه ۲۱۰ و حداقل آن ۴۲ است. کسانی که نمره خام آن‌ها در دامنه ۷۰ تا ۱۱۴ قرار گیرد (معادل نمره استاندارد T بین ۴۰ تا ۶۰) دارای روابط زناشویی بهنجار هستند و کسانی که نمره خام آن‌ها در دامنه ۱۱۵ تا ۱۳۴ قرار گیرد (معادل نمره استاندارد T بین ۶۰ تا ۷۰) دارای تعارض بیش از حد بهنجار و نمره خام ۱۳۵ و بالاتر (یعنی معادل نمره استاندارد T بالاتر از ۷۰) دارای تعارض شدید یا روابط شدیداً آسیب‌پذیر هستند.

در این پژوهش همچنین برای سنجش الگوهای فعال درونی افراد، از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد. این پرسشنامه دارای ۷۰ سؤال و ۱۱ خرده آزمون (خاطرات ایمن و نا ایمن؛ اعتقادات اضطرابی، اجتنابی و ایمن؛ نیازهای اضطرابی، اجتنابی و ایمن؛ راهبردهای اضطرابی، اجتنابی و ایمن) می‌باشد. پاسخ سؤالات این پرسشنامه به صورت لیکرتی ۶ درجه‌ای (کاملاً مخالفم - مخالفم - تقریباً مخالفم - تقریباً موافقم - موافقم - کاملاً موافقم) می‌باشد. هر کدام از این درجات به ترتیب نمره ۱ تا ۶ را به خود اختصاص می‌دهند. هیچ یک از سؤالات این پرسشنامه بصورت منفی نمره گذاری نمی‌شود و هر ۱۱ خرده آزمون این پرسشنامه جدا نمره گذاری می‌شود و در آخر ۱۱ نمره جداگانه به دست می‌آید. برای محاسبه پایایی این پرسشنامه، سؤالات در چهار گروه مؤلفه‌های ایمن، مؤلفه‌های خاطرات نا ایمن، مؤلفه‌های اجتنابی و مؤلفه‌های اضطرابی مورد بررسی قرار گرفتند. مقادیر آلفای کرونباخ محاسبه شده برای این چهار گروه بترتیب ۰,۸۴۹، ۰,۸۴۳، ۰,۹۳۵ و ۰,۸۳ به دست آمد که نشان دهنده همسانی درونی مناسبی برای مؤلفه‌های پرسشنامه است. پایایی زمانی محاسبه شده برای این یازده خرده آزمون نیز به قرار زیر می‌باشد:

جدول ۱. ضرایب پایایی بازآزمایی

ردیف	مؤلفه‌ها	ضریب باز آزمایی
۱	اعتقادات اجتنابی	۰,۷۷۹ (**)
۲	اعتقادات اضطرابی	۰,۶۳۴ (**)
۳	اعتقادات ایمن	۰,۶۷۷ (**)
۴	راهبردهای اجتنابی	۰,۷۹۶ (**)
۵	راهبردهای اضطرابی	۰,۶۴۱ (**)
۶	راهبردهای ایمن	۰,۵۱۷ (**)
۷	نیازهای اجتنابی	۰,۶۶۶ (**)
۸	نیازهای ایمن	۰,۴۱۲ (*)
۹	خاطرات ایمن	۰,۷۳۳ (**)
۱۰	نیازهای اضطرابی	۰,۷۲۴ (**)
۱۱	خاطرات نا ایمن	۰,۵۵۲ (**)

همانگونه که در جدول مشاهده می‌شود کمترین ضریب باز آزمایی برای زیر مؤلفه نیازهای ایمن با مقدار ۰,۴۱۲ و بیشترین مقدار ضریب باز آزمایی برای زیر مؤلفه اعتقادات اجتنابی با مقدار ۰,۷۷۹ به دست آمده است. در جدول ۳,۵ هر ضریبی که با یک ستاره (*) مشخص شده است در سطح $(p < 0.05)$ و هر ضریبی که با دو ستاره (**) مشخص در سطح $(p < 0.01)$ معنی دار می‌باشد.

یافته‌های پژوهش

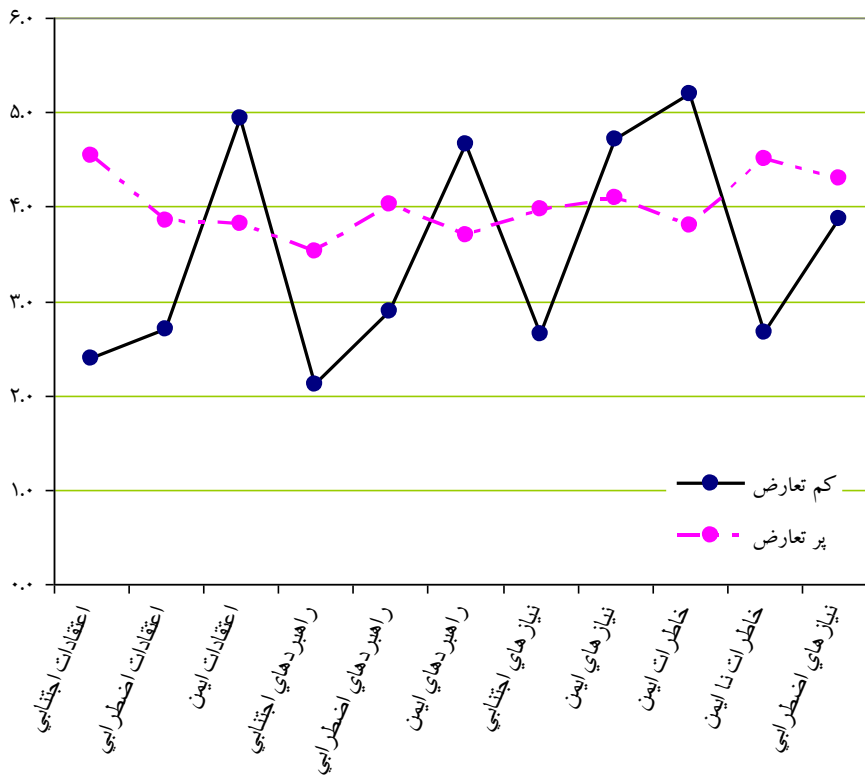
برای بررسی و آزمون فرضیه اول از تحلیل واریانس چند متغیری (MANOVA) استفاده شد. در جدول ۲ نتایج آزمون‌های اثر پیلایی، لامبدای ویلکز، اثر هوتلینگ و بزرگترین ریشه روی گزارش شده است. هر چهار آزمون گزارش شده برای بررسی معنی‌داری تحلیل واریانس استفاده می‌شوند. پر کاربردترین آزمون که در بیشتر گزارشات محاسبه می‌شود لامبدای ویلکز است و قویترین آزمون نیز که نسبت به عدم برقراری پیش فرضها مقاوم است اثر پیلایی می‌باشد. در مواقعی که تمامی شرایط برقرار است و حجم نمونه‌ها نیز برابر است نتایج هر چهار آزمون شبیه و نزدیک به می‌شود.

جدول ۲. نتایج تحلیل واریانس چند متغیری (MANOVA)

شاخص‌های چند متغیری	Value	F	p	η
اثر پیلایی	۰,۸۱۵	۷۵,۰۷	۰,۰۱	۰,۸۱۵
لامبدای ویلکز	۰,۱۸۵	۷۵,۰۷	۰,۰۱	۰,۸۱۵
اثر هوتلینگ	۴,۳۹۲	۷۵,۰۷	۰,۰۱	۰,۸۱۵
بزرگ‌ترین ریشه روی	۴,۳۹۲	۷۵,۰۷	۰,۰۱	۰,۸۱۵

در جدول ۲ مشاهده می‌کنیم که مقدار F به دست آمده برای لامبدای ویلکز با مقدار $۷۵,۰۷$ و با درجه‌های آزادی ۱۱ و ۱۸۸ در سطح $p < 0.01$ معنی‌دار می‌باشد. همچنین مقدار F به دست آمده برای اثر پیلایی با مقدار $۷۵,۰۷$ و با درجه‌های آزادی ۱۱ و ۱۸۸ در سطح $p < 0.01$ معنی‌دار می‌باشد. بر این اساس نتیجه می‌گیریم که به‌طور کلی بین الگوهای فعال درونی در دو گروه کم‌تعارض و پرتعارض در روابط زناشویی تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

برای نمایش بهتر نمرات کسب شده برای دو گروه پرتعارض و کم‌تعارض نمودار ۳ ترسیم و ارائه شده است.



نمودار ۱. نمرات الگوهای فعال درونی

برای تعیین تفاوت بین مؤلفه‌ها پژوهش از آزمون تعقیبی آل اس دی LSD استفاده شد. خلاصه‌ای از نتایج این تحلیل در جدول ۴ گزارش شده است. در این جدول مقدار تفاوت موجود بین میانگین‌های دو گروه کم تعارض و ناموفق پر تعارض و سطح معنی‌داری آن‌ها گزارش شده است.

جدول ۳. نتایج آزمون تعقیبی LSD

متغیرها	کم تعارض	پر تعارض	تفاوت میانگین	سطح معناداری
اعتقادات اجتنابی	۲,۳۹۵	۴,۵۴۱	۲,۱۴۶-	۰,۰۱
اعتقادات اضطرابی	۲,۶۹۳	۳,۸۵۰	۱,۱۵۸-	۰,۰۱
اعتقادات ایمن	۴,۹۳۷	۳,۸۱۷	۱,۱۲۰	۰,۰۱

متغیرها	کم تعارض	پر تعارض	تفاوت میانگین	سطح معناداری
راهبردهای اجتنابی	۲,۱۰۷	۳,۵۱۸	۱,۴۱۱-	۰,۰۱
راهبردهای اضطرابی	۲,۸۹۳	۴,۰۲۱	۱,۱۲۹-	۰,۰۱
راهبردهای ایمن	۴,۶۵۴	۳,۶۹۶	۹۵۸.	۰,۰۱
نیازهای اجتنابی	۲,۶۵۳	۳,۹۶۷	۱,۳۱۳-	۰,۰۱
نیازهای ایمن	۴,۷۱۷	۴,۱۰۰	۶۱۷.	۰,۰۱
خاطرات ایمن	۵,۲۰۰	۳,۸۰۳	۱,۳۹۸	۰,۰۱
خاطرات نا ایمن	۲,۶۷۱	۴,۵۱۰	۱,۸۳۹-	۰,۰۱
نیازهای اضطرابی	۳,۸۶۶	۴,۳۰۰	۴۳۴.-	۰,۰۳

همانگونه که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، تفاوت ۱۰ مؤلفه از الگوهای درونی در سطح $p < 0.01$ معنی‌دار می‌باشند و تفاوت یکی از مؤلفه‌ها که نیازهای اضطرابی است در سطح $p < 0.03$ معنی‌دار می‌باشد.

به‌طور کلی مشاهده می‌کنیم که در مقایسه‌های ۲ به ۲ تفاوت تمامی الگوهای فعال درونی معنی‌دار می‌باشد. در بررسی دقیق‌تر در می‌یابیم که بیشترین تفاوت نمرات در اعتقادات اجتنابی و کمترین تفاوت نمرات در نیازهای ایمن مشاهده شده است. برای اینکه تعیین شود آیا می‌توان بر اساس نمرات افراد در این آزمون، عضویت آن‌ها را در گروه کم تعارض و پر تعارض پیش‌بینی کرد یا خیر در جدول ۵ آخرین مرحله میزان موفقیت و عدم موفقیت تابع تشخیصی گزارش شده است. در این جدول مشاهده می‌کنیم که از ۱۰۰ نفر آزمودنی کم تعارض ۹۹ نفر کم تعارض و ۱ نفر ناموفق پر تعارض پیش‌بینی شده‌اند.

جدول ۴. تحلیل طبقه‌بندی برای پیش‌بینی عضویت در طبقه‌ها

کل		عضویت پیش‌بینی شده				عضویت حقیقی
		ناموفق		موفق		
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۱۰۰,۰	۱۰۰	۱,۰	۱	۹۹,۰	۹۹	کم تعارض
۱۰۰,۰	۱۰۰	۱۰۰,۰	۱۰۰	۰,۰	۰	پر تعارض

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش این بود که مشخص شود آیا بین الگوهای فعال درونی افراد کم تعارض و پرتعارض در روابط زناشویی تفاوت وجود دارد یا خیر. برای بررسی این سؤال از تحلیل مانوا استفاده شد. نتایج نشان داده است که مقدار F به دست آمده برای لامبدای ویلکز با مقدار $۷۵,۰۷$ و با درجه‌های آزادی ۱۱ و ۱۸۸ در سطح $p < 0.01$ معنی دار می‌باشد. همچنین مقدار F به دست آمده برای اثر پیلاپی با مقدار $۷۵,۰۷$ و با درجه‌های آزادی ۱۱ و ۱۸۸ در سطح $p < 0.01$ معنی دار می‌باشد. بدین معنی که به طور کلی بین نیمرخ الگوهای فعال درونی دو گروه افراد پرتعارض و کم تعارض در روابط زناشویی تفاوت وجود دارد. این نتیجه با فرضیات نظریه بالبی درباره کارکرد الگوهای فعال درونی در دوران بزرگسالی، سازگار است. بر اساس این فرضیات، الگوهای فعال درونی مفهوم مناسب و مفیدی برای درک رفتارهای میان فردی و تجربیات رمانتیک و عاشقانه در روابط صمیمی دوران بزرگسالی می‌باشد. افرادی که دارای خاطرات، اعتقادات، نیازها و راهبردهای ایمن در روابطند، دارای روابط زناشویی کم تعارض و موفق می‌باشند و بالعکس افرادی که دارای خاطرات، اعتقادات، نیازها و راهبردهای نایمن‌اند، از روابط زناشویی پرتعارض و ناموفق نیز برخوردار می‌باشند. سؤال دیگر این پژوهش این بود که بین کدام یک از مؤلفه‌های الگوی فعال درونی در دو گروه افراد موفق و ناموفق در روابط زناشویی تفاوت وجود دارد؟ نتایج نشان داده است که بین یازده مؤلفه الگوهای فعال در دو گروه موفق و ناموفق، تفاوت معنی دار وجود دارد. تفاوت ده مؤلفه از الگوهای درونی در سطح $p < 0.01$ معنی دار می‌باشد و تفاوت یکی از مؤلفه‌ها که نیازهای اضطرابی است در سطح $p < 0.05$ معنی دار است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که اعتقادات ایمن، اجتنابی و اضطرابی در دو گروه پرتعارض و کم تعارض در روابط زناشویی، متفاوت است. افرادی که در روابط زناشویی خود تعارضات کمی دارند، دیگران را قابل اعتماد، نودوست و خیرخواه می‌بینند در حالی که افراد پرتعارض به نیت دیگران مظنون‌اند و آن‌ها را غیر قابل اعتماد می‌دانند و در صداقت و مسئولیت‌پذیری آن‌ها

در نقش‌های اجتماعی مانند والدین، همواره مشکوک‌اند. این افراد این‌گونه می‌اندیشند که فهمیدن دیگران دشوار و پیچیده است و افراد کنترل کمی بر سرنوشت و دستاوردهای زندگی‌شان دارند. دیدشان نسبت به روابط منفی و بدبینانه است. در واقع اعتقادات ایمن نشانگر اعتماد فرد به هم نسبت به خود و هم به دیگران است و اعتقادات نایمن (اجتنابی و اضطرابی)، نشانگر بی‌اعتمادی و بدبینی به خود و دیگران و روابط. نتایج این پژوهش نشان داده که افراد کم‌تعارض در روابط زناشویی اعتقادات ایمن‌تری نسبت به افراد پرتعارض دارند. در مقابل، افراد پرتعارض با گزاره‌هایی مثل «در این دنیا از هیچ کس نباید انتظار عشق و دوستی و محبت داشت» یا «اعتقاد دارم که مردم هرگز قدر محبت‌های مرا نمی‌دانند و می‌دانم این را دیر یا زود به من نشان خواهند داد» و نظیر این که نشانگر اعتقادات و انتظارات نایمن است، موافقت کرده‌اند. این نتایج با تحقیقات کلینز و رید (۱۹۹۰) و هازان و شیور، (۱۹۸۷)، چن (۲۰۱۷)، کامرون و گرانگر (۲۰۱۹) و کاسترو و پیرا (۲۰۱۹) سازگار است. این نتایج همچنین نشان می‌دهد که خاطرات ایمن و نایمن در دو گروه پرتعارض و کم‌تعارض در روابط زناشویی، متفاوت است. افراد کم‌تعارض در روابط زناشویی، به میزان بیشتری دارای خاطرات ایمن می‌باشند، در مقابل، افراد ناموفق و پرتعارض به میزان زیادی دارای خاطرات نایمن هستند. به این معنی که گروه کم‌تعارض بیشتر تجربیات ارتباطی مثبت با تصاویر دل‌بستگی‌شان را به یاد می‌آوردند. این گروه رابطه خود را با والدینشان بیشتر گرم و مهربان بیاد دارند اما گروه پرتعارض خاطرات منفی بیشتر و احساس گرمی و امنیت کمتری از کودکی خود به یاد می‌آورند. این نتایج با نتایج تحقیقات هازان و شیور (۱۹۸۷)، کلینز و رید (۱۹۹۰) و فینی و نولر (۱۹۹۰) همخوان است. درباره مؤلفه‌های دل‌بستگی نتایج این پژوهش نشان داد نیازهای ایمن، اجتنابی و اضطرابی در دو گروه پرتعارض و کم‌تعارض در روابط زناشویی، متفاوت است. افراد کم‌تعارض در روابط زناشویی، به میزان بیشتری دارای نیازهای ایمن می‌باشند، در مقابل، افراد ناموفق و پرتعارض به میزان زیادی دارای نیازهای نایمن (اجتنابی و اضطرابی) هستند. نیازهای اضطرابی، نشانگر نیاز افراطی به جلب توجه، محبت و حمایت از دیگران،

به خصوص همسر، می‌باشد و نیازهای اجتنابی، نشانگر نیاز افراطی به استقلال، خودمختاری و حفظ فاصله از دیگران است. درحالی‌که نیازهای ایمن نشانگر نیاز به وابستگی و استقلال، در حدی متوسط و متعادل می‌باشد. این نتیجه با فرضیات نظریه دلبستگی و تحقیقات بارتولومو و هورویتز (۱۹۹۲)، رلز و سیمپسون (۲۰۰۴)، روزالینا و همکاران (۲۰۱۹) و بکی (۲۰۲۱) سازگار است. نتایج این پژوهش حاکی از این است که راهبردهای ایمن، اجتنابی و اضطرابی در دو گروه پرتعارض و کم تعارض در روابط زناشویی، متفاوت است. افراد کم تعارض در روابط زناشویی، به میزان بیشتری در مشکلات از راهبردهای ایمن استفاده می‌کنند، در مقابل، افراد پرتعارض به میزان زیادی در مشکلات از راهبردهای نایمن (اجتنابی و اضطرابی) استفاده می‌کنند. گروه کم تعارض در هنگام وقوع مشکل در رابطه، به جای اینکه منزوی شوند و کناره بگیرند و یا بسیار هیجانی و مضطرب برخورد کنند، با فرد مقابلشان به مذاکره می‌پردازند و سعی در حل مشکل دارند. آن‌ها می‌توانند به راحتی نیازهایشان را با فرد مقابل در میان بگذارند و به طریقی سالم در جهت رفع نیازهای دلبستگی‌شان تلاش کنند؛ اما گروه پرتعارض از این راهبردها بهره نمی‌برند. آن‌ها یا مضطربانه راهبردی را بر می‌گزینند که تأیید و توجه طرف مقابل را کسب کند مانند عذر خواهی کردن و فیصله دادن به مشکل (راهبردی اضطرابی)؛ و یا هم از فرد و هم از مشکل کناره می‌گیرند و بی‌اعتنایی پیشه می‌کنند (راهبردی اجتنابی). نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش‌های دیگر نیز مثل بردلی (۲۰۰۰)؛ گریفیث (۲۰۰۴)؛ ونگ و همکاران (۲۰۲۰)؛ و سابلنیکووا و همکاران (۲۰۲۰) همخوان است.

دیگر سؤالی که در این پژوهش بررسی شد این بود که آیا مؤلفه‌های الگوهای فعال درونی، می‌تواند عضویت گروهی افراد را در دو گروه پرتعارض و کم تعارض در روابط زناشویی، مشخص کند؟ برای بررسی این فرضیه از تحلیل تمایز استفاده شد. بر اساس نتایج تحلیل تشخیص، مشخص شد که می‌توان بر اساس نمرات الگوهای فعال درونی افراد، با احتمال ۹۹٫۵٪، عضویت گروهی آن‌ها را در گروه‌های کم تعارض و پرتعارض پیش‌بینی کرد. طبق یافته‌های این پژوهش زوجین کم تعارض و پرتعارض در

چهار مؤلفه‌الگوهای فعال درونی یعنی خاطرات، اعتقادات، نیازها و راهبردهای مربوط به دلبستگی متفاوتند در نتیجه پیشنهاد می‌شود به‌منظور اصلاح و تغییر روابط پرتعارض زناشویی، الگو و پروتکل مشاوره‌ای تنظیم شود که بر تغییر و اصلاح چهار مؤلفه‌الگوهای فعال درونی زوجین متمرکز باشد و سپس اثربخشی آن مورد بررسی قرار گیرد.

منابع

- ابوالقاسمی، سمیه؛ ابوالقاسمی، عباس؛ کافی ماسوله، موسی و سلطانی شال، رضا. (۱۳۹۹). تأثیر آموزش مهارت‌های حل مسئله و تصمیم‌گیری بر کنترل عواطف زنان دارای تعارض زناشویی. *زن و مطالعات خانواده*. ۱۳ (۴۹): ۲۹-۴۵.
- خدادادی سنگده، جواد (۱۴۰۰). شناسایی دلایل شکل‌گیری تعارض زناشویی در دوران عقد. *فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*. ۱۲ (۴۸): ۲۵-۵۴.
- رجبی، غلامرضا؛ موسویان نژاد، خلیل؛ تقی پور، منوچهر. (۱۳۹۳). رابطه سبک‌های دلبستگی با هوش هیجانی و تعارض زناشویی در معلمان زن متأهل. *دوفصلنامه مشاوره کاربردی*. ۴ (۱): ۴۹-۶۶.
- شیخ، مهدی؛ احمدی، خدابخش؛ و سرابندی، حسن. (۱۳۹۱). رابطه سبک دلبستگی زوجین با رضایت زناشویی در خانواده‌های نظامی. *فصلنامه روان‌شناسی نظامی*. ۳ (۱۱): ۴۱-۵۲.
- فارسانی، ذبیح‌الله کاوه؛ و مهدیه، عارفه (۱۳۹۹). واکاوی راهبردهای زوجین در مواجهه با تعارضات زناشویی. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*. ۱۶ (۶۱): ۷۷-۹۵.
- محمدشارونی، رضوان؛ شکری، امید؛ حسیت زاده تقوایی، مرجان؛ دانش، عصت؛ برجعلی، احمد (۱۳۹۹). الگوی روابط ساختاری تعارض زناشویی در رانز با سبک‌های دلبستگی و خودشیفتگی و هیجان‌خواهی با دلزدگی در زوجین مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره. *مجله مطالعات ناتوانی*. ۱۰ (۲۳): ۱-۸.
- A'yun, Q. (2021). Psychoeducational Interventions on Conflict Resolution Styles among Individuals Involved in Commuter Marriages *Journal of Innovation and Community Engagement (Journal of ICE)*. 2 (2). 101-110.
- Bartholomew, K., & Horowitz, L. M. (1991). Attachment styles among young adults: A test of a four-category model. *Journal of Personality and Social Psychology*, 61, 226-244.
- Beck, J. S. (1995). *Cognitive therapy: Basics and beyond*. New York: Guilford
- Becky, B. (2021). Review of Insecure Attachment, Emotional Loneliness, and Alexithymia. *Symposium Of University Research and Creative Expression (SOURCE)*. 85. <https://digitalcommons.cwu.edu/source/2021/COTS/85>
- Bowlby, J. (1969). *Attachment and loss: vol. 1*. New York: Basic Books.

- Bowlby, J. (1980). *Loss: sadness and depression*. New York, NY: Basic Books.
- Bradley, S. J. (2000). *Affect regulation and the development of psychopathology*. New York: Guilford Press.
- Brelherton, I. (1996). Internal working models of attachment relationships as related to resilient coping. In G, G, Noam & K. W, Fischer (Eds.) , *Development and vulnerability in close relationships* (pp. 3-27). Mahwah, NJ: Erlbaum.
- Bretherton, I. (1985). Attachment theory: Retrospect and prospect. *Monographs of the Society for Research in Child Development*, 50, 3–35.
- Cameron, J. J., & Granger, S. (2019). Does self-esteem have an interpersonal imprint beyond self-reports? A meta-analysis of self-esteem and objective interpersonal indicators. *Personality and Social Psychology Review*, 23 (1) , 73–102.
- Cassidy, J. (2008). The nature of the child's ties. In J. Cassidy and P. R. Shaver (Eds.) , *Handbook of attachment: theory, research, and clinical applications* (pp. 3-23). New York: Guilford Press.
- Cassidy, J. and Shaver, P. R. (2016). *Handbook of Attachment Theory, Research, and Clinical Applications Third Edition*. New York: Guilford Press.
- Castro, R. M., Pereira, D. I. F. (2019). Education and Attachment: Guidelines to Prevent School Failure. *Multimodal Technol. Interact.* 3, 10; doi: 10.3390/mti3010010
- Chen, B. B. (2017). Parent-adolescent attachment and academic adjustment: The mediating role of self-worth. *Journal of Child and Family Studies*, 26 (8) , 2070–2076.
- Cohen, O., katz, M (2015). Grief and growth of bereaved siblings as related to attachment style and flexibility. *Death Study*. Jan-Jun 2015;39 (1-5): 158-64. doi: 10.1080/07481187.2014.923069. Epub 2015 Feb 26.
- Collins, N. L., & Read, S. J. (1990). Adult attachment, working models, and relationship quality in dating couples. *Journal of Personality and Social psychology*, 58, 644–663.
- Collins, N. L., & Read, S. J. (1994). Cognitive representations of attachment: The structure and function of working models. In K. Bartholomew & D. Perlman (Eds.) , *Advances in personal relationships: Vol. 5. Attachment processes in adulthood*. (pp. 53–90). London: Kingsley.
- Consoli, N., Wagner, B. J., & Marin, A. H. (2018). Laços de afeto: as repercussões do estilo de apego primário e estabelecido entre casais no ajustamento conjugal. *Avances en Psicología Latinoamericana*, 36 (2) , 315-329. [http:](http://)

- [//dx.doi.org/10.12804/revistas.urosario.edu.co/apl/a.5409](https://dx.doi.org/10.12804/revistas.urosario.edu.co/apl/a.5409)
- Dicks, H. V. (1967). *Marital tensions*. New York: Basic Books.
- Dykas, M. J., & Cassidy, J. (2011). Attachment and the processing of social information across the life span: Theory and evidence. *Psychological Bulletin*, 137, 19–46.
- Feeney, J. A. (2003). The systemic nature of couple relationships: An attachment perspective. In P. Erdman & T. Caffery (Eds.) , *Attachment and family systems: Conceptual, empirical and therapeutic relatedness* (pp. 139–163). New York: Brunner/Mazel.
- Feeney, J. A., & Noller, P. (1990). Attachment style as a predictor of adult romantic relationships. *Journal of Personality and Social Psychology*, 58, 281–291.
- Griffith, B. A. (2004). The structure and development of internal working models: An integrated framework for understanding clients and promoting wellness. *Journal of Humanistic Counseling and Education and Development*, 24, 163-177.
- Hazan, C., & Shaver, P. (1987). Romantic love conceptualized as an attachment process. *Journal of Personality and Social Psychology*, 52, 511–524.
- Mikulincer, M., & Shaver, P. R. (2011). An attachment perspective on interpersonal and intergroup conflict. In J. P. Forgas, A. W. Kruglanski, & K. D. Williams (Eds.) , *The psychology of social conflict and aggression* (pp. 19–35). Psychology Press.
- Mikulincer, M., Gillath, O., & Shaver, P. R. (2002). Activation of the attachment system in adulthood: Threat-related primes increase the accessibility of mental representations of attachment figures. *Journal of Personality and Social Psychology*, 83, 881–895.
- Nichols, M. P. (1987). *The self in the system: Expanding the limits of family therapy*. New York: Brunner/Mazel.
- Rholes, W. S., and Simpson, J. A. (2004). *Adult attachment: theory, research and clinical implications*. New York: Guilford Press.
- Rosalina, G., Tiatri, S., & Verauli, R. (2019). Correlation Between Internal Working Model of Attachment and Marital Satisfaction of Young Adult. *Advances in Social Science, Education and Humanities Research*, (439) 662-670.
- Rothbard, J. C., & Shaver, P. R. (1994). Continuity of attachment across the life span. In M. B. Sperling and W. H. Berman (Eds.) , *Attachment in adults: Clinical and developmental perspectives* (pp. 31–71). New York: Guilford Press.
- Sabelnikova, N., Kashirsky, D., & Garvard, O. (2020). Attachment and Images of Parents and of the Romantic Partner of Russian Young Men and Women. *Behav. Sci.* 10, 87; doi: 10.3390/bs10050087

- Sesemann, E. M., Kruse, J., Gardner, B. C., Broadbent, C. L., & Spencer, T. A. (2017). Observed attachment and self-report affect within romantic relationships. *Journal of Couple & Relationship Therapy*, 16 (2) , 102-121. <http://dx.doi.org/10.1080/15332691.2016.1238794>
- Wang, C. D., Anderson-White, E., & Jin, J. (2020). adult attachment, maladaptive coping, alcohol consumption, and drinking-related problems. *Counseling psychology quarterly*. 34 (2). <https://doi.org/10.1080/09515070.2021.1977914>

استناد به این مقاله: هاشمی، سمیرا، فرحبخش، کیومرث، کرمی، ابوالفضل. (۱۴۰۲). مقایسه الگوهای فعال درونی (IWM) بین زوجین کم‌تعارض و پرتعارض شهر تهران، فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۱۴(۵۳)، ۲۱۵-۲۳۶.

DOI: 10.22054/QCCPC.2022.64742.2826



Counseling Culture and Psychotherapy is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.